

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

یکشنبه 30 جون 2024

نجیب سخی

## نظریه موسیقائی

### فصل پنجم مقام

#### مقام حدود و تعریف آن :

مقام کلمه عربی بوده و در اصول دستوری اسم است ، هرگاه بیک جایگاه و منزل دلالت میکند ؛ به معنی حدود جغرافیائی مشخص است، یعنی گاهئیکه بیک مکان و عینیت قابل لمس اطلاق گردد اسم ذات است .

اگر مقام را حدیث کنند و از تفسیر آن در شرح یک حالت استفاده نمایند، اسم معنی است؛ اینبار مقام به مفهوم تناسب مورد استعمال قرار میگیرد، تناسبیکه نمیتوان آنرا با اعداد بیان نمود، بلکه وسعت، فراخی و بلندی باطنی اشخاص و مفاهیم را بآن قیاس کنند.

مقام در موسیقی عیناً مفهوم همین متناسبات است؛ زیرا مناسبت بند های موسیقی با یک حالت خاص روحی انسان را مقام گویند ؛ چون مقامی برای خوشی و مسرت، مقامی برای بزم و سرور، مقامی برای سخاوت و دلاوری، مقامی برای حزن و غم مقامی برای عدالت و انصاف، و غیره و غیره.

آنگاهئیکه گذشتگان اصول موسیقی را مهار کردند، یکی از خصوصیات موسیقی را چنین یافتند، که در تحرک روحیه انسان نغمه های بخصوص در شرائط بخصوص نقش دارند؛ درین مورد حکیم فارابی میگوید: « لحن یا یک ترکیب موسیقی در حقیقت زاده تخیل ماست، و این تخیل در رابطه با آواز هائی است که ما قبلاً سر داده ایم و یا شنیده ایم. انسان و حیوان برای اظهار یک وضعیت یا شرایط خاص از درد رنج و یا خوشی و لذت، آوازهای بیرون میدهند که هریک ازین آوازاها، نمایندگی از خصوصیات یاد شده میکند؛ شنیدن این آوازاها، حتی دیگران را متوجه موقعیت حیوان و یا انسان آواز دهنده میکند. آوازاهائیکه در جهت بیان یک حالت خوشی و لذت هستند، نزد انسانها یادداشت میگردند، که این خود نمایندگی از ذوق و شوق و یا ضرورت روانی انسان میکند، همین

ضرورت روانی شخص بیک زمینه تبدیل میگردد، برای تخیل و ترکیب آواها ، که مجموع همین تخیلات عبارتست از الحان یا ترکیب های فی البدیه که انسان تولید میکند. «  
فارابی موسیقی را از نظر روانی به سه دسته تفکیک میکند : اول آنکه برای خوشی و لذت خود تولید میکنیم، دوم آنکه بوسیله آن ذوق و سلیقه خود را نشان میدهیم و سوم آنکه نمایندگی از تخیلات ما میکند؛ موسیقی میتواند حالت اول، دوم، سوم و یا اینکه مجموع هر سه حالت را نزد یک جمعیت بوجود آورد، و یا ممکن است یکپارچه موسیقی یکی از این سه حالت را نزد اکثریت انسانها بوجود آورد. این عکس العمل طبیعی است؛ زیرا با طبیعت انسان در توافق قرار دارد؛ این حالات و خصوصیات را که ما اینجا ذکر کردیم، صرف بوسیله آواز انسان میتواند تولید گردد و بس، درحالیکه آلات موسیقی میتوانند تنها یکی از این سه حالت را بوجود آورند.

الرئیس ابن سینا دوازده مقام را به بیست و چهار ساعت یک شبانه روز تعلق میدهد؛ اگرچه او در زمینه دلیلی بخصوصی ارائه نمیکند، اما بحیث یک پیشنهاد ذهنی باین تعلق پا فشاری دارد.  
صفی الدین همچو فارابی از رابطه روانی انسان با نغمه های موسیقی صحبت دارد. وی عقیده مند است، که موسیقی روان انسانرا در رفع خستگی یاری میرساند، او مقامات دوازده گانه را بخصوصیات مشخص انسان نسبت میدهد .

بنابراین مقامات موسیقی با حدودیکه در فوق ذکر کردیم، در سرزمین های وسیع امپراطوری اسلامی از صد ها سال به اینسو طرف قبول و پذیرش قرار دارند، که با اندک تفاوت در هر زبانی چون ترکی، عربی، پارسی دری، آذری، ترکمنی، ازبکی، ایگوری، کردی و خلاصه ده ها زبان و لهجه های محلی دیگر، مفهوم مقام با خصوصیاتیکه ما گفتیم قبول شده است؛ از اینجاست که مقام بحیث ثروت عام فرهنگ جامعه انسانی در یونسکو ثبت گردیده است.

اما ساکنین ماورا النهر، که در بر گیرنده مردمان خراسان قدیم است، زبان و خصوصیات عنعنوی و سنتی شان در تدوین مقامها نسبت به هر زبانی دیگری نقش براننده تری دارد؛ چنانچه بعداً در شرح جزئیات مقام بآن بر خواهیم خورد، زبان این مردمان پارسی دری بوده است.

ما تا اینجا مقام را از نظر بیرونی یا شکلی معرفی کردیم، اما محتوای مقام چیست؟

بزرگان مقام را پرده یا " شد" هم یاد کرده اند، یعنی اینکه اهل فن مقام عشاق را پرده عشاق و مقام بزرگ را تنها پرده بزرگ نیز میگفتند. در کتب موسیقی چنین مقرر است، انگاهئیکه دو یا سه بعد با هم یکجا شده، یک جمعرا بوجود می آورند آنرا "شد" میگفتند ( ۱ ) .

پس شد ترکیبی از هشت نغمه و هفت بعد است، که این خصوصیت در ترکیب تمام مقامها وجود

دارد. اما شد وقتیکه بدرجهٔ اعلی از تناسب و تکمیل میرسد، آنرا مقام میگویند؛ زیرا از آن فرا رفتن دیگر میسر و ممکن نیست. یک مقام شامل هفت بعد و هشت نغمه است؛ اما این تنها حدود مقام نیست؛ آنچیزیکه یک مقام را از یک جمع عادی تفکیک میکند، تعداد رابطه های ناب در داخل آنست، که این رابطه ها اقلأ پنج و حد اکثر باید نه رابطه باشند. مقصد از رابطهٔ ناب رابطهٔ ربع و خمس است، به همین علت است که تعداد مقامها دوازده است؛ زیرا از جملهٔ هشتاد و چهار حلقه تنها دوازده آن این خصوصیت را دارند؛ از جانب دیگر مراتب مقامات از اول تا دوازدهم نیز حالت تصادفی نداشته، بلکه همین روابط ناب آنرا مقدور ساخته است.

گاهی تعداد مقامات را به دوازده ماه یک سال نسبت میدهند، که این فریضه کاملاً ذهنی و خود پرداخته بوده هیچگونه رابطهٔ با واقعیت ندارد؛ چنانچه اگر حداقل رابطه های ناب را از پنج به چهار تقلیل دهیم، در اینصورت حدود هجده مقام بدست خواهد آمد؛ در همین مورد است که ابن سینا می گوید: « انسان تمام ابعادیکه در طبیعت وجود دارد همه را نمی پذیرد، زیرا بعضی خیلی کوچک و بعضی خیلی بزرگ هستند. و یا اصلاً برای حواس ما هم آهنگ نیستند؛ از جمله آنهاییکه بوسیلهٔ حواس ما قابل درک هستند، تنها ناب ترین و بهترین آنها را انتخاب کرده اند »؛ لهذا دوازده مقام اشرف ترین هشتاد و چهار حلقه است که قبلاً دیدیم.

دومین خصوصیت داخلی یک مقام طرز ترکیب جنسهای آنست، یعنی تا زمانیکه طرز آرایش ابعاد در داخل جنسهای یک مقام ثابت باشد در عین مقام قرار داریم؛ تنها نغمهٔ که با آن مقام را آغاز میکنیم تغیر میکند؛ مثلاً: مقام عشاق از جنس قوی پرده، پرده، نیم پرده تشکیل شده است؛ اگر وضعیت چنین شود که همین جنس قوی را مثلاً پرده، نیم پرده، پرده استعمال کنیم، دیگر در مقام عشاق نیستیم؛ زیرا تعادلیکه عشاق را بوجود آورده بود برهم خورد.

شروع یک مقام از بم ترین نغمه جمع آغاز میگردد. اما این امر ضروری نیست، شروع مقام میتواند در هر یکی از هفده نغمهٔ یک جمع صورت گیرد. و شرط اینست که هر بار تفاوت بین دو نغمهٔ آغاز؛ باید یک طبقه یا یک ربع باشد.

از جملهٔ هشتاد و چهار دایرهٔ که هفت تقسیم ربع و دوازده تقسیم خمس بوجود آورد، تنها چهل آنرا گذشتگان قابل استفاده میدانستند، این چهل دایره را به سه دسته تقسیم کردند.

دستهٔ اول هم آهنگ تام، که عبارت از مقامهاست، و در ترکیب آنها اقلأ پنج و اکثرأ نه رابطهٔ ناب باید شامل باشد، که این دوازده مقام عبارتند از:

۱- مقام عشاق، ۲- مقام نوا، ۳- مقام ابوسلیک، ۴- مقام راست، ۵- مقام عراق، ۶- مقام

صفاهان، ۷ - مقام زیر افغن، ۸ - مقام بزرگ، ۹ - مقام زنگوله، 10 - مقام رها وی، ۱۱ - مقام حسینی، ۱۲ - مقام حجازی است.

دسته دوم که آنها را هم‌آهنگ معتدل نامیده اند، آنهایی اند، که در ترکیب شان بین پنج تا سه رابطه ناب وجود دارد؛ اینها را بنام "آوازا" یاد کرده اند، که درین دسته شش حلقه یا دایره شامل است که عبارتند از: ۱ - شهناز، ۲ - مایه، ۳ - سلمک، ۴ - نوروز، ۵ - گردانیه، ۶ - خواست.

دسته سوم آنهایی هستند، که اقلأ سه رابطه ناب در ترکیب شان شامل است، که این وضعیت بیست و دو دایره را در بر میگیرد، اینها را بنام شعبه یاد میکنند، که عبارتند از: ۱ - صبا دایره چهارم، ۲ - اضرا دایره هشتم، ۳ - دوستخانه دایره دوازدهم، ۴ - معشوق دایره سیزدهم، ۵ - هوش سرا دایره شانزدهم، ۶ - حزن دایره بیستم، ۷ - نو بهار دایره بیست و پنجم، ۸ - وصال دایره بیست و ششم، ۹ - گلستان دایره بیست و هشتم، ۱۰ - غمزده دایره بیست و نهم، ۱۱ - مهرا جان دایره سی و یکم، ۱۲ - دلگشا دایره سی و هفتم، ۱۳ - نیسان دایره سی و پنجم، ۱۴ - مجلس افروز دایره چهل و هشتم، ۱۵ - نسیم دایره چهل و نهم، ۱۶ - جان افزا دایره پنجاه ام، ۱۷ - مهیر الحسینی دایره پنجاه و دوم، ۱۸ - زنده روح دایره پنجاه و پنجم، ۱۹ - مزده خوانی دایره شصت و یکم، ۲۰ - نهضت حجازی دایره شصت و چهارم، ۲۱ - غزال دایره هفتاد و دوم، ۲۲ - دمک دایره هفتاد و سوم.

دوازده مقام:

اصطلاحاتی که در شرح موسیقی، مقام ها، آوازا و شعبه ها استفاده گردیده است، همه بزبان پارسی دری هستند. اگرچه این وضعیت بعضاً در سرزمین های عرب و در پرتو تمدن اسلامی بوقوع پیوسته است؛ از اینجاست که این کلمات و اصطلاحات در تمام قلمرو امپراطوری اسلامی در همان زبانیکه تالیف شده بودند؛ تا امروز مورد استفاده هستند؛ این زبان پارسی است، و در آن مقطعی که این آثار تحریر شده اند، همه بپارسی دری گفته و نوشته شده اند؛ چنانچه این سینا خود در مقدمه دانشنامه میگوید: « کتابی بنویسم به پارسی دری»، به دری نویسی اش اشاره میکند.

زبان پارسی دری را نباید پی آمد یا زائیده فارسی عصر حاضر دانست؛ زیرا زبان پارسی که در مورد آن ما داد سخن داریم؛ اصلاً "ادامه مستقیم زبان اوستائی است" این زبان با ظهور مانی شکل موجود را گرفته است. طرز تحریر و اسم آن، یعنی دری مربوط بهمان عصر است (۲)، اولاً تحاری و بعداً تاری و بالاخره به دری تبدیل شده است. لهذا دری به هیچ صورت منبع خود را از "در"، یا "دربار" بر نداشته است؛ چنانچه در تمام جوامع انسانی معمول است که زبان را بیک منطقه یا محدوده جغرافیائی نسبت میدهند، این زبان نیز ازین قاعده مستثنی نیست، بلکه مربوط به تحار یا

تخارستان قدیم بوده، که مذهب مانی در تمام آسیای میانه، ترکستان چین و تا نیشاپور انتشار یافته بود، که تمام این مناطق دری زبان هستند و خود را تاجک یا تازک میخوانند. آنگاه که اسلام ساسانی های زردشتی را، که در سرزمین عراق موجوده و قسمتی از ایران، که آنرا عراق عجم مینامیدند در هم کوبیده و جاروب کرد؛ ساسانی ها به زبان پهلوی سخن میگفتند؛ لهذا امپراطوری ساسانی با مذهب زردشتی و زبان پهلوی همه در بست متروک شدند؛ خراسان قدیم در آسیای میانه با مذهب مانی؛ طرف و مخاطب اسلام و امپراطوری اسلام قرار میگیرد. چنانچه ارنسکی میگوید: « در فرقه اسماعلیه در آسیای مرکزی اثرات وسیعی از مذهب مانی محسوس است » (۳) .

این زبان خراسانی ها است، که با اسلام در تماس می شود، رسم الخط عرب را قبول میکند؛ اما استقلال و موجودیت خود را حفظ مینماید؛ باشندگان خراسان در تحرک و ساختمان تمدن اسلامی نقش عمده گرفتند.

زبان خراسانی ها همین پارسی دری بوده است. در تمام کتب دانشمندان مسلمان، دو منطقه یا دو واحد جغرافیائی متمایز و متفاوت یکی فارس و دیگری خراسان را یاد میکنند؛ زیرا زبانی که در فارس صحبت میشده زبان فارسی شیرازی (\*) بوده؛ لهذا هرگاه ما در مورد زبان پارسی صحبت میکنیم، اصلاً در مورد زبان اوستائی، مانی و خراسانی ها سخن رفته است نه در مورد فارسی شیرازی.

حدود العالم ثغور خراسان را چنین تعیین میکند « خراسان ناحیت مشرق وی هندوستان است و جنوب وی بعضی از حدود خراسانست و بعضی از بیابان کرکز کوه و مغرب وی نواحی گرگان است و حدود غور شمال رود جیحون است. و این ناحیتی است بزرگ با خواسته بسیار و نعمتی فراخ و نزدیک میانه آبادانی جهان است » (۴)

اسطخری حدود خراسان را در حوالی سده چهارم هجری چنین تعیین میکند. « از شرق به سیستان و قسمتی از هندوستان از مغرب به بیابان غز و نواحی گرگان شمال به ماورالنهر و قسمتی از کشور ترک تا پشت ختلان و از جنوب به کویر فارس و قومس » (۵) . خراسان تاریخی از پنج شهر یا منطقه عمده تشکیل شده بود: سرخس، مرو، هرات بلخ و نیشاپور.

در مورد ثروت خراسان ابن خلدون در مقدمه خود چنین مینگارد: «عوایدیکه از ولایت خراسان بخزانة مامون میرسید از تمام متصرفات دولت عباسی زیادتر بود، یعنی بیست و هشت ملیون درهم، دوهزار خشت نقره، چهار هزار رأس اسپ تاتاری، هزار تن بنده، بیست و هفت هزار دست جامه و سی هزار رطل هلیله بود.» (۶)

این مقدار مالیات بر عایدات خراسان بوده، نه خود عایدات؛ اینک میتوان تخمین کرد توانائی اقتصادی و ثروت خراسان آنزمان را؛ لهذا چنین اقتصاد و چنین ثروت؛ پایه مادی فرهنگ بزرگی را پی ریخته است، که زبان دری وسیله بیان همین ثقافت و فرهنگ بوده است؛ لهذا هر آنچه از هجوم چنگیز بها یعنی قرن سیزدهم میلادی در زبان پارسی بوجود آمده، همه مربوط و منوط بخراسان و زبان دری است .

به قول اسفزاری در مریضی طاعونیکه در سال « ۸۲۵ هـ. ق » در هرات شیوع یافت، او میگوید: « آنچه از محاسبان معلوم شد و عهده آنانیکه گور و کفن یافتند اندر نفس بلده هرات شصت هزار است. » ( ۷ )

امروز سرخس، مرو، مربوط شوروی سابق ویا جانشینان او هستند، از بلخ تا هرات در افغانستان قرار دارد و نیشاپور مربوط ایران است.

درین مورد دهخدا میگوید: " پس از جنگ هرات در سال « ۱۲۴۹ هـ. ق » خراسان بدو قسمت تجزیه شد، قسمتی که در مغرب رود هریرود واقع بود جز ایران و قسمت دیگر به افغانستان ضمیمه گردید ". دهخدا، که « ضمیمه گردید » را استعمال میکند علناً تاریخ و موجودیت ملل مجاور را تأیید نمیکند، و هم اینکه، خراسان بسه حصه تجزیه شده است نه بدو قسمت.

اما با در نظر داشت حدودیکه از خراسان داده شد، افغانستان در قلب این حدود قرار دارد. لهذا باشندگان این سرزمین، وارثین بر حق این گوهر فرهنگی هستند، اما نه یگانه وارث !

زیرا برای تحلیل، بررسی و شناخت تاریخ و فرهنگ ما، باید جلوتر از همه چیز، عینیت و واقعیت آنرا چنانچه وجود داشته، دور از هر نوع تنگنظری و تعصب باید قبول کنیم؛ درست بعد از تکمیل همین فریضه است، که ما میتوانیم به بررسی و کاوش علمی در گذشته جامعه پارسی زبانان و لهجه های متشکله آن پردازیم.

بنام مقام های موسیقی، مینا و تهداب تمام ساختمان های موسیقائی در جامعه ما و جوامع همجوار ما است؛ تنها در بازگشایش و شناخت این مقام هاست که ما میتوانیم دقیق قضاوت کنیم که فرهنگ ما چه رنگ، رخ، پایه و اساسی داشته، و هر آنچه را که ما امروز، بنام موسیقی محلی یا موسیقی سنتی میدانیم؛ ببینیم تاچه اندازه ازین مقام ها سرچشمه گرفته اند.

خواننده اگر بتواند مقام یا مقامهای را در عمل اجرا کند، تعجب خواهد کرد، هر آنچه را که سالها بنام موسیقی کشور های دوردست می پنداشت، در حقیقت از همین مقام ها نشأت کرده است، که پدران او کشف و تالیف نموده بودند.

چنانچه در قبل ذکر کردیم، دوازده مقام عبارت از ناب ترین رابطه هائیتست که در موسیقی انسان وجود دارد؛ اینک به تفکیک و تشریح مفصل آنها می پردازیم؛ قابل یادآوری است، مقام ها طوریکه در کتب و آثار دانشمندان مسلمان بما رسیده است، در ترکیب آنها از پرده، نیم پرده و، سه چهارم پرده و از نسبت های ربع و آنطرف ربع پرده استفاده شده است. این تناسبات متأسفانه در عصر ما متروک شده اند؛ اما برای احیای موسیقی اصیل جامعه ما و جوامع مجاور، برگشت بدین اصول نه تنها ضرور؛ بلکه واجب هم است، و این مخصوصاً برای آنائیکه از اصالت در موسیقی دم میزنند؛ سخت نامیمون است، که بالای پیانو، سینتیز و یا ارمونیم، ادعای نواختن موسیقی اصیل فلان یا فلان کشور را میکنند؛ در حالیکه روح این اصالت یعنی کسر پرده، اصولاً بالای این آلات وجود ندارد.

جدول ذیل شرح متداول دوازده مقام موسیقی مشرق است، که در حدود یکهزار و دوصد سال قدمت دارد.

اول مقام عشاق	دائرة اول کز اتصال که تقسیم اول ربع و اول خمس بوجود آمده است «عنی» ط، ط، ب، ط، ط، ب، ط، ط، ب، ط
دوم مقام نوا	دائرة چهاردهم که از اتصال دوم ربع و دوم خمس بوجود آمده است « یعنی» ط، ب، ط، ب، ط، ب، ط، ط، ب، ط، ط
سوم مقام ابوسلیک	دائرة بیست و هفتم که از اتصال تقسیم سوم ربع و سوم خمس بوجود آمده است یعنی: « ب، ط، ب، ط، ب، ط، ب، ط، ب، ط، ط، ط»
چهارم مقام راست	دائرة چهارم از اتصال تقسیم چهارم ربع و چهارم خمس بوجود آمده است یعنی: « ط، ج، ج، ط، ج، ج، ط، ج، ج، ط»
نجم مقام عراق	دائرة شصت و نهم که از اتصال تقسیم ششم ربع و نهم خمس بوجود آمده یعنی: « ج، ط، ج، ج، ط، ج، ج، ط، ج، ج، ب»
ششم مقام صفاهان یا اصفهان	دائرة چهل و دوم که از اتصال تقسیم چهارم ربع و ششم خمس بوجود مییاید یعنی: « ط، ج، ج، ط، ج، ج، ط، ج، ج، ط»
هفتم مقام زیرافکن	دائرة پنجاه و نهم که از اتصال تقسیم پنجم ربع و یازدهم خمس بوجود مییاید یعنی: « ج، ج، ط، ج، ج، ط، ج، ج، ب، ط، ج، ط»

دائرة هفتم مقام بزرگ	دائرة هفتم مقام که از اتصال تقسیم ششم ربع و دهم خمس بوجود میباید یعنی: « ج ، ط ، ج ، ج ، ج ، ب ، ط ، ج ، ج »
نهم مقام زنگوله	دائرة چهل و دوم که از اتصال تقسیم چهارم ربع و ششم خمس بوجود میباید یعنی : « ط ، ج ، ج ، ج ، ج ، ط ، ج ، ط »
دهم مقام رهاوی	دائرة شصت و پنجم که از اتصال تقسیم ششم ربع و پنجم خمس بوجود میباید یعنی : « ج ، ط ، ج ، ج ، ج ، ج ، ط ، ط »
یازدهم مقام حسینی	دائرة پنجاه و سوم که از اتصال تقسیم پنجم ربع و پنجم خمس بوجود میباید یعنی : « ج ، ج ، ط ، ج ، ج ، ج ، ط ، ط »
دوازدهم مقام حجاز	دائرة پنجاه و چهارم که از اتصال تقسیم پنجم ربع و ششم خمس بوجود میباید یعنی : « ج ، ج ، ط ، ج ، ط ، ج ، ط ، ج ، ط »

چنانچه قبلاً ذکر شد، هرگاه یک دائرة دارای نه رابطه ناب باشد، در مقام اول قرار میگیرد. آنائیکه دارای هشت و هفت رابطه ناب هستند به مقام دوم، و به همین ترتیب تا مقام دوازدهم. اگر در جریان این مقایسات دو دایره که دارای عین رابطه ناب هستند پهلوی هم قرار بگیرند؛ درینصورت؛ آنیکه زیادتین رابطه خمس را داشته باشد حق تقدم دارد، که وضعیت در مقام های راست و ابوسلیک، هر کدام با داشتن هفت رابطه ناب در یک سطح قرار دارند. اما ابوسلیک با داشتن رابطه های برتر خمس، جلوتر قرار گرفته است.

دائرة هائیکه دارای شش و پنج رابطه ناب باشند، در حدود وسط هم آهنگی قرار دارند، که بزرگان همین را سرحد نهائی مقام تعیین کرده اند، که پائینتر ازین دیگر حلقه در حد رابطه اشرف یعنی مقام داخل نخواهد بود. جدول ذیل رابطه عددی دوازده مقام را شرح میکند.

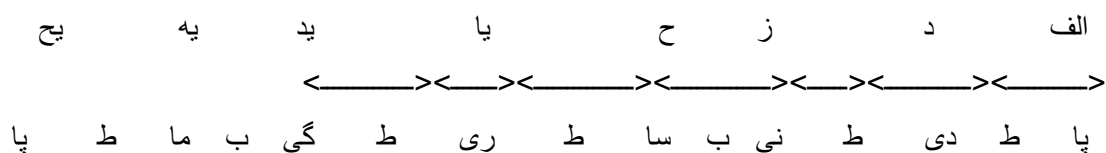
1	عشاق	[ 9/8 ، 256/243 ، 9/8 ، 9/8 ، 256/243 ، 9/8 ، 9/8 ]
2	نوا	[ 9/8 ، 256/243 ، 9/8 ، 9/8 ، 256/243 ، 9/8 ، 9/8 ]
3	ابوسلیک	[ 9/8 ، 256/243 ، 9/8 ، 9/8 ، 256/243 ، 9/8 ، 9/8 ]
4	راست	[ 9/8 ، 32/29 ، 29/27 ، 9/8 ، 32/29 ، 29/27 ، 9/8 ]
5	عراق	[ 36/35 ، 14/13 ، 13/12 ، 9/8 ، 10/9 ، 9/8 ، 32/29 ، 29/27 ]
6	صفاهان	[ 9/8 ، 32/29 ، 9/8 ، 29/27 ، 32/29 ، 29/27 ، 9/8 ]
7	زیرافگن	[ 14/13 ، 9/8 ، 36/35 ، 13/12 ، 10/9 ، 32/29 ، 9/8 ، 29/27 ]



8	بزرگ	[ 13/12 ، 10/9 ، 9/8 ، 36/35 ، 14/13 ، 9/8 ، 32/29 ، 29/27 ]
9	زنگوله	[ 9/8 ، 32/29 ، 9/8 ، 29/27 ، 32/29 ، 29/27 ، 9/8 ]
10	رهاوی	[ 9/8 ، 9/8 ، 32/29 ، 29/27 ، 9/8 ، 32/29 ، 29/27 ]
11	حسینی	[ 9/8 ، 9/8 ، 32/29 ، 29/27 ، 32/29 ، 9/8 ، 29/27 ]
12	حجاز	[ 9/8 ، 32/29 ، 9/8 ، 29/27 ، 32/29 ، 9/8 ، 29/27 ]

در این جدول از جمله دوازده مقام سه آن دارائی هشت بعد و نه نغمه هستند، که این وضعیت به هیچصورت به معنی عبور از جمع نبوده، بلکه از انقسام پرده به واحد های کوچکتر ناشی میگردد. اینک برای شرح هم آهنگی های ناب در داخل مقامها، بالای نقشه هر مقام بطور جاگانه تهیه و توضیح میگردد .

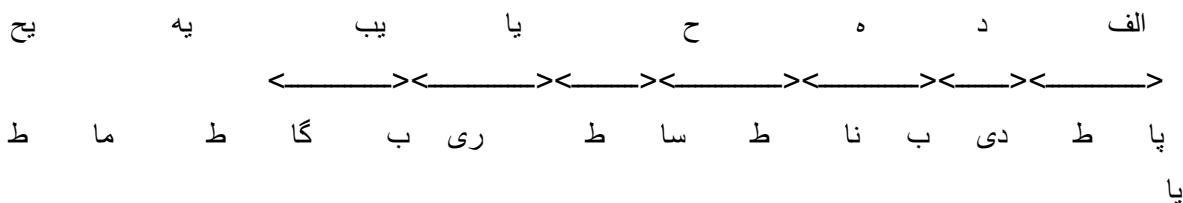
مقام عشاق که در آن نه رابطه ناب وجود دارد، نقشه عشاق قرارذیل است:



رابطه های ناب :

$$\begin{aligned} & \{ \text{الف با ح} \} = 4/3 , \quad \{ \text{الف با یا} \} = 3/2 , \\ & \{ \text{د با یا} \} = 4/3 , \quad \{ \text{د با ید} \} = 3/2 , \\ & \{ \text{ز با یا} \} = 4/3 , \quad \{ \text{ز با ید} \} = 3/2 , \\ & \{ \text{ح با یه} \} = 4/3 , \quad \{ \text{ح با یح} \} = 3/2 , \\ & \{ \text{یا با یح} \} = 4/3 , \quad \text{که اینجا مجموعاً نه رابطه ناب ذکر گردید.} \end{aligned}$$

مقام نوا که در آن هشت رابطه ناب جا دارد، نقشه نوا قرار ذیل است :



رابطه های ناب :

$$\{ \text{الف با ح} \} = 4/3 , \quad \{ \text{الف با یا} \} = 3/2$$

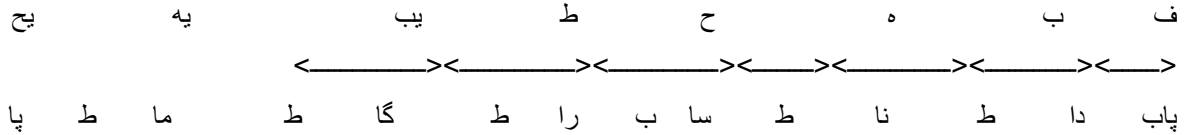
$$4/3 = \{ \text{د بایا} \}$$

$$3/2 = \{ \text{ه بایه} \} , 3/2 = \{ \text{ه بایب} \}$$

$$3/2 = \{ \text{ح بایح} \} , 4/3 = \{ \text{ح بایه} \}$$

$$4/3 = \{ \text{یب بالف} \}$$

نقشه ابوسلیک که در آن هفت رابطه ناب وجود دارد :



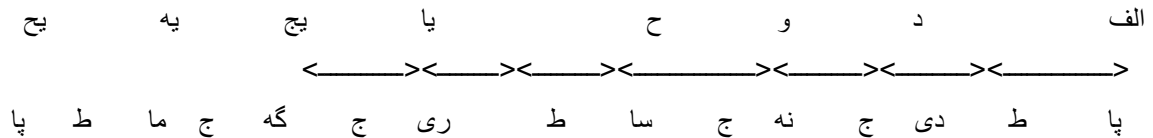
$$4/3 = \{ \text{الف تا ح} \}$$

$$3/2 = \{ \text{ب تا ط} \} , 4/3 = \{ \text{ب تا یب} \}$$

$$3/2 = \{ \text{ه تا یه} \} , 4/3 = \{ \text{ه تا یب} \}$$

$$3/2 = \{ \text{ح تا یح} \} , 4/3 = \{ \text{ح تا یه} \} .$$

راست شامل هفت رابطه ناب میباشد ونقشه آن چنین است :



$$3/2 = \{ \text{الف تا ی} \} , 4/3 = \{ \text{الف تا ح} \}$$

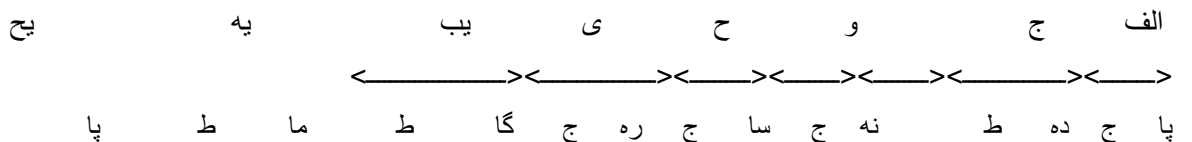
$$4/3 = \{ \text{د تا ی} \}$$

$$4/3 = \{ \text{و تا یح} \}$$

$$3/2 = \{ \text{ح تا یح} \} , 4/3 = \{ \text{ح تا یه} \}$$

$$4/3 = \{ \text{یا تا یه} \}$$

مقام حسینی شامل چهار ربع و دوخمس، یعنی شش رابطه ناب است قرارذیل :



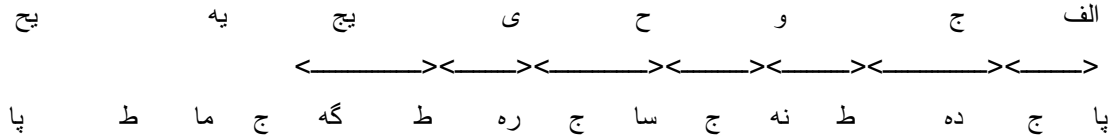
$$4/3 = \{ \text{الف تا ح} \}$$

$$4/3 = \{ \text{ج تا ی} \}$$

$$3/2 = \{ \text{ه تا یه} \} , 4/3 = \{ \text{ه تا یب} \}$$

$$\{ \text{ح تايه} \} = 4/3, \{ \text{ح تايح} \} = 3/2$$

حجازی آخرین مقام است از نظر هم آهنگی، که دارائی شش رابطه ناب است نقشه آن قرار ذیل است :



$$\{ \text{الف تاح} \} = 4/3$$

$$\{ \text{ج تاي} \} = 4/3, \{ \text{ج تايح} \} = 3/2$$

$$\{ \text{و تايح} \} = 4/3$$

$$\{ \text{ح تايه} \} = 4/3, \{ \text{ح تايح} \} = 3/2$$

در بحث مقامها باید یاد آور شویم که، در تمامی مقامها پرده های ثابت شامل هستند، که این پرده ها عبارتند: از پرده شروع و ختم ربع و آغاز و انجام پنج. که این پرده ها، با تغییر طبقه مقام از جایی جا میشوند، لهذا باید به طبقات مقام مراجعه شود.

۱- « شد » جمع آن شدود است به معنی رشته بسته میباشد، یعنی حلقه که دو سر آن با هم وصل است، و این بوضوح خصوصیت یک جمع بوده؛ بهمین علت جمع را « شد » گفته اند.

۲- مانی در سال ۲۴۴م مذهب خود را اعلان میکند و بترویج آن پرداخت؛ اما خیلی زود مورد غضب شاهان ساسانی عراق قرار گرفت، لهذا از مداین فرار کرده و در آسیای مرکزی شروع بفعالیت کرد؛ گویند که آنجا مخفی شده بود. در سال ۲۷۳م به مداین برگشت و در سال ۲۷۶م در زندان وفات نمود پیروان زیادی در مرو و نیشاپور داشت. (برتلز ص ۱۱۹ تاریخ ادبیات فارسی تاجکی)

۳- فقه اللغات ایرانی ارانسکی

۴- حدودالعالم نویسنده ناشناس، ترجمه استاد میر حسین شاه (استاد و رئیس فاکولته ادبیات کابل)

۵- تاریخ اسطخری

۶- مقدمه ابن خلدون ج اول ص ۳۴۲

۷- تاریخ هرات

ادامه دارد